جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۰
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۱۴۳ | دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۹ | ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۲:۱۸ |
غروب آفتاب: ۱۷:۳۹ | اذان مغرب: ۱۷:۵۸ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۳۶ | اذان صبح فردا: ۰۵:۳۳ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۵۷ |

یادداشت | مصطفی شاه‌کرمی

پوشش زنان زاگرس‌نشین بر تن یک کلفت!

توهین، استخفاف و تحقیر افراد، اقوام، آداب و فرهنگ‌ها گذشته از اینکه جرم است، کاری بسیار زشت و غیرانسانی است، حالا ممکن است این توهین به صورت علنی و آشکار باشد یا به قول قانونگذار به صورت غیرمستقیم و حتی به شکل اشاره باشد.

در قسمت یازدهم از فصل دوم سریال «بیگانه‌ای با من است» عصمت خانم (با بازی لیلی فرهادپور) کُلفت خانواده شهرابی با روسری خاصی به نمایش گذاشته شد که آن روسری با قدمتی بیش از ۳هزار سال نماد هویتی و فرهنگ باستانی اقوام زاگرس‌نشین شناخته می‌شود. متأسفانه سال‌های زیادی است که در برخی سریال‌ها و فیلم‌ها تصویر غلط و ناروایی از افراد غیرتهرانی یا به اصطلاح شهرستانی به مخاطب ارائه می‌شود که این تصویر موهن و غلط باعث ایجاد ادراک تحقیرآمیزی از این افراد در بین مخاطبان شده است. اغلب وقتی قرار است یک شخصیتی با جایگاه پَست اجتماعی یا در کسوت کارگر، کلفت و نوکر (هر چند کسب روزی حلال و زندگی شرافتمندانه مهم است نه نوع شغل) به نمایش گذاشته شود، عموماً این نقش را یک کاراکتر با لهجه یا زبان یکی از اقوام غیر مرکزنشین کشورمان ایفا می‌کند. اگرچه این گونه بدسلیقگی‌ها بارها باعث دلخوری و حتی اعتراض اقوام مختلف شده است اما مشخص نیست چرا جلوی این گونه رفتارها و اقدامات مشابه آن گرفته نمی‌شود. همه کسانی که کمترین آشنایی نسبت به انتخاب پوشش و حتی نوع آرایش و گریم بازیگران و نقشی که قرار است به ایفای آن بپردازد، دارند، به خوبی می‌دانند که اساساً علت حضور کسی تحت عنوان طراح صحنه و لباس در فیلم‌ها و سریال‌ها این است که بر اساس تیپ شخصیتی و نوع نگاهی که کارگردان به پرسوناژ دارد، برای بازیگر لباس، پوشش و گریم خاصی را طراحی و اجرا می‌کند. زدودن چنین نگاه‌های تحقیرآمیزی که منبعث از تفکرات لیبرالیستی است و منجر به تفکیک افراد به شهروندان درجه یک و درجه ۲ در اذهان مخاطبان می‌شود، آن هم در تولیدات صدا و سیما که گستره وسیعی از مخاطبان در سرتاسر کشور را پوشش می‌دهد، باید با حساسیت‌های بیشتری دنبال شود. وقتی مخاطبانی که در شهرستان‌های غربی کشورمان زندگی می‌کنند، می‌بینند که پوشش زنان و مادران‌شان در یک سریال تلویزیونی بر تن یک کلفت یا نوکر پوشیده شده است، نه تنها آنها میل و رغبتی برای استفاده از آن پوشش نخواهند داشت بلکه دچار نوعی حقارت و احساس استخفاف و خودکم‌بینی هم می‌شوند.

متأسفانه در سریال بیگانه‌ای با من است به دلیل کج‌سلیقگی و ناآگاهی عوامل این سریال به خصوص کارگردان و طراح صحنه و لباس آن، کاراکتر عصمت خانم، کُلفت خانواده شهرابی روسری «گُلوَنی» یا همان پوشش و حجاب زنان اقوام زاگرس‌نشین را به سر دارد. روسری «گُلوَنی» با قدمتی بیش از ۳هزار سال از دوران عصر آهن و مفرغ که اوج شکوفایی تمدن‌های آن روزگار بوده تا به امروز همواره به عنوان یک پوشش و حجاب در بین زنان اقوام زاگرس‌نشین مرسوم و رایج بوده است. بر اساس بیان مورخانی چون هرودت، ریشه تاریخی سربند (گُلوَنی) به دوره هخامنشیان و دوره ماد برمی‌گردد. دیاکونوف روسی به عنوان یکی از سرشناسان حوزه شرق‌شناسی نیز در کتاب «تاریخ ماد» خود به این پوشش ایرانی اشاره می‌کند و در توصیف اقوام، آشوریان، عیلامی‌ها و مادها از این پوشش یا سربند یاد می‌کند.

این روسری با قدمتی ۳هزار ساله که جزو پوشش زنان قوم کاسیت (ساکنان باستانی منطقه زاگرس) بوده در شهریور ماه سال ۱۳۹۷ به ثبت ملی رسیده است. گذشته از اینکه تحقیر نمادهای فرهنگی و تمدنی اقوام توهین به افراد و اقوام (چه به صورت مستقیم و چه به صورت اشاره و غیرمستقیم) مطابق برخی مواد قانونی در قانون مجازات اسلامی و همچنین قانون تعزیرات توسط قانونگذار جرم‌انگاری شده و برای شخص مرتکب، مجازات تعیین کرده است.

پرداخت پررنگ به خودکشی در فیلم‌های جشنواره فجر

خودکشی‌واره سینمای فجر!

فیلم‌های «روشن»، «ستاره بازی» و «بی‌همه‌چیز» و «خط فرضی» به صورت مستقیم و فیلم «مامان» با اشاره‌ای ابهام‌آمیز به مسئله خودکشی پرداخته‌اند. در فیلم «ابلق» نیز به خودزنی یک زن اشاره می‌شود

■ **محمدصادق عابدینی**

سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر در شرایطی به پایان خود می‌رسد که در آن «تِم» اصلی چند فیلم خودکشی کاراکترهای اصلی است؛ فیلم‌هایی که خودکشی را مجاز و تنها راه خلاصی از شرایط بد زندگی عنوان می‌کنند. فیلم‌های «روشن»، «ستاره بازی» و «بی‌همه‌چیز» و «خط فرضی» به صورت مستقیم و فیلم «مامان» با اشاره‌ای ابهام‌آمیز به مسئله خودکشی پرداخته‌اند. در فیلم «ابلق» نیز به خودزنی یک زن اشاره می‌شود.

پرداخت پررنگ به «خودکشی» در فیلم‌های سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر، نه از باب نشان دادن قبح این مسئله یا نمایش راه گریز و نجات از آن بلکه به عنوان راه نجات از زندگی که قهرمان و شخصیت اصلی فیلم با آن روبه‌رو است، نشان‌دهنده سقوط محتوایی جشنواره‌ای است که سینمای آن مدعی اخلاق است.

■ **قهرمان کیست!**

قهرمان در ادبیات و سینما با عنوان «پروتاگونیست» شناخته می‌شود که واژه‌ای یونانی و مترادف با «شخصیت اصلی» در داستان است، البته تفاوت‌هایی میان «شخصیت اصلی» و «قهرمان» وجود دارد، مثلاً در فیلم «رستگاری در شاوشنگ»، شخصیت اصلی و راوی فیلم «آلیس بوید ردینگ» با بازی مورگان فریمن است؛ یک زندانی بی‌آزار که به زندانی بودن عادت دارد. در مقابل قهرمان فیلم «اندی دوفرین» با بازی تیم رابینز است؛ بانکداری که بی‌گناه به زندان افتاده و در پی آزادی است. در سینما تعاریف زیادی درباره قهرمان وجود دارد که کوتاه‌ترین آن می‌گوید: «قهرمان کسی است که دوست دارید پیروزی او را ببینید.»

قهرمان در بسیاری از فیلم‌ها همان شخصیت اصلی است و تقریباً در سینمای ایران نیز چنین موضوعی غالب است. قهرمان معمولاً به عنوان پیروز نهایی در فیلم دیده می‌شود؛ کسی که بر مشکلات فائق می‌آید؛ بدی‌ها را شکست می‌دهد و در نهایت به هدف مدنظر خود می‌رسد. مثال دم‌دستی برای قهرمان را می‌توان در فیلم‌های رزمی مشاهده کرد. در اصل قهرمان کسی است که بیننده در طول فیلم روی او سرمایه‌گذاری معنوی و احساسی می‌کند.

■ **توصیه‌های رئیس فقید اسکار**

«تام شراک» نام شناخته‌شده‌ای در سینماست. رئیس آکادمی اسکار و مرد تأثیرگذار در هالیوود که چند سال پیش چشم از جهان فروبست. شراک در مصاحبه‌ای که به عنوان رئیس آکادمی اسکار انجام داد، به نگاه سینما به جامعه و البته سیاست‌های اسکار در انتخاب فیلم‌ها پرداخت. او در زمینه اهمیت نگاه اجتماعی در فیلم‌ها، به این نکته اشاره می‌کند که در انتخاب‌های اسکار فیلم‌هایی برای او اولویت داشته که فرهنگ و جامعه کشورها را معرفی می‌کرده است. به اعتقاد او فیلم‌ها معرفی‌کننده جامعه هستند.

شراک در بخشی از مصاحبه‌اش به فیلم‌های دهه ۴۰ سینمای امریکا اشاره کرد و گفت: در طول جنگ جهانی دوم، فیلم‌های امریکایی احساس شجاعت و دلاوری را برمی‌انگیختند، در همان زمان بود که «جان وین» با سبک وسترن به ستاره‌ای بزرگ تبدیل شد.

حال باید پرسید که آیا جشنواره فجر در ایران که از حیث اهمیت داخلی برای ما مشابه جایزه اسکار در سینمای امریکاست، چه فیلم‌هایی را برای نمایش انتخاب می‌کند؟! آیا مثل سینمای امریکا به نیاز جامعه برای شرایط خاصی که درگیر آن است توجه می‌کند؟!

■ **توصیه به خودکشی در جشنواره ملی!**

در سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر، از میان ۱۶فیلم به نمایش درآمده که جزو نامزدهای سیمرغ‌های این دوره از جشنواره هستند، چهار فیلم به صورت مستقیم به خودکشی شخصیت اصلی و قهرمان فیلم پرداخته‌اند. در یک فیلم نیز خودکشی شخصیت اصلی به تماشاگر القا می‌شود، بدون آنکه به صراحت به آن اشاره شود.

در فیلم دیگر نیز خودزنی به عنوان راهی برای فرار از مشکل حادی که پیش رو است، دیده می‌شود. به عبارت دیگر نزدیک ۴۰درصد از آثار این دوره از جشنواره به طور مستقیم یا ضمنی به «خودکشی» پرداخته است، این در حالی است که امسال در مرحله اول ثبت‌نام جشنواره بیش از ۱۰۰فیلم برای حضور در سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر اعلام آمادگی کرده بودند و به دلیل شرایط خاص کرونا، فیلم‌های سال‌های گذشته که راه به جشنواره پیدا نکرده بودند، فرصت دوباره‌ای پیدا کردند.

در سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر، از میان ۱۶فیلم به نمایش درآمده که جزو نامزدهای سیمرغ‌های این دوره از جشنواره هستند، چهار فیلم به صورت مستقیم به خودکشی شخصیت اصلی و قهرمان فیلم پرداخته‌اند

در فیلم‌های «روشن»، «ستاره بازی» و «بی‌همه‌چیز» و «خط فرضی» قهرمان فیلم برای پایان دادن به مشکلاتش خودکشی می‌کند! در شرایطی که کرونا، مشکلات اقتصادی و فشارهای اجتماعی مردم ایران را محاصره کرده است. جشنواره دولتی فیلم، به جای آنکه از نظر روانی به مردم روحیه بدهد، خودکشی را پیش پای آنها می‌گذارد.

آیا سازمان سینمایی می‌خواهد با پرداخت پررنگ به خودکشی آن هم در سکانس‌های نهایی (فینال) فیلم، به تماشاگر توصیه کند راه خروج از مشکلات از میان برداشتن خود است؟! قطعاً هیچ کدام از تصمیم‌گیران جشنواره در مواجهه با این سؤال پاسخ مثبت نمی‌دهند ولی خروجی جشنواره چیزی است که ناشی از تصمیمات آنهاست. برای اینکه مدیران سینمای ایران کمی با نتایج فاجعه‌بار تصمیمات خود روبه‌رو شوند، لازم است به نتایج پژوهشی که در مجله علمی «بهداشت و مراقبت‌های اجتماعی» ایالات متحده منتشر شده نگاهی بیندازیم. این پژوهش که به مدت ۱۰سال (۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹) انجام شده تأیید می‌کند تماشای صحنه‌های خودکشی در تماشاگر حس خودکشی را تقویت می‌کند و افرادی که فیلم‌ها و سریال‌هایی را مشاهده کرده‌اند که در آن تصاویر خودکشی وجود داشته است، دچار پریشانی عاطفی و مشکلات روانی شده‌اند.

سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر در پایان کار خود قرار دارد؛ پایانی که اختتامیه‌ای بر حضور مدیریت دولت دوازدهم بر سینما نیز به شمار می‌رود و سال آینده جشنواره‌ای با حضور دولت جدید برگزار خواهد شد.

امید بود که در واپسین ماه‌های فعالیت دولت فعلی، حداقل در سینما این حجم از افسردگی به مردم تزریق نمی‌شد، حتی اگر فیلمساز بنا به مشکلات روحی و روانی خود یا فرار از ضعف‌های فیلمنامه و جهان‌بینی معیوبش، خودکشی را به عنوان راه‌حل به نمایش گذاشته و نه تنها آن را تقبیح نکرده بلکه آن را راه پایان مشکلات دانسته، این وظیفه سازمان سینمایی و جشنواره فجر بود که با فیلترگذاری مناسب ویترین سینمای ایران را اینچنین به تصویر نکشند! فیلم‌های حاضر در جشنواره فجر همگی پروانه نمایش دارند و این به آن معناست که نسخه اکران شده در سینما از سوی سازمان سینمایی وزارت ارشاد هیچ منع یا ممیزی برای اکران عمومی نخواهد داشت و این پایانی است بر سینمایی که قرار بود «امید» را در جامعه تقویت کند!

حکمت

امام محمد باقر(ع):

فضیلتی چون جهاد و جهادی چون مبارزه با هوای نفس نیست.

(تحف العقول ص۲۸۶)

نما | حسین کشتکار

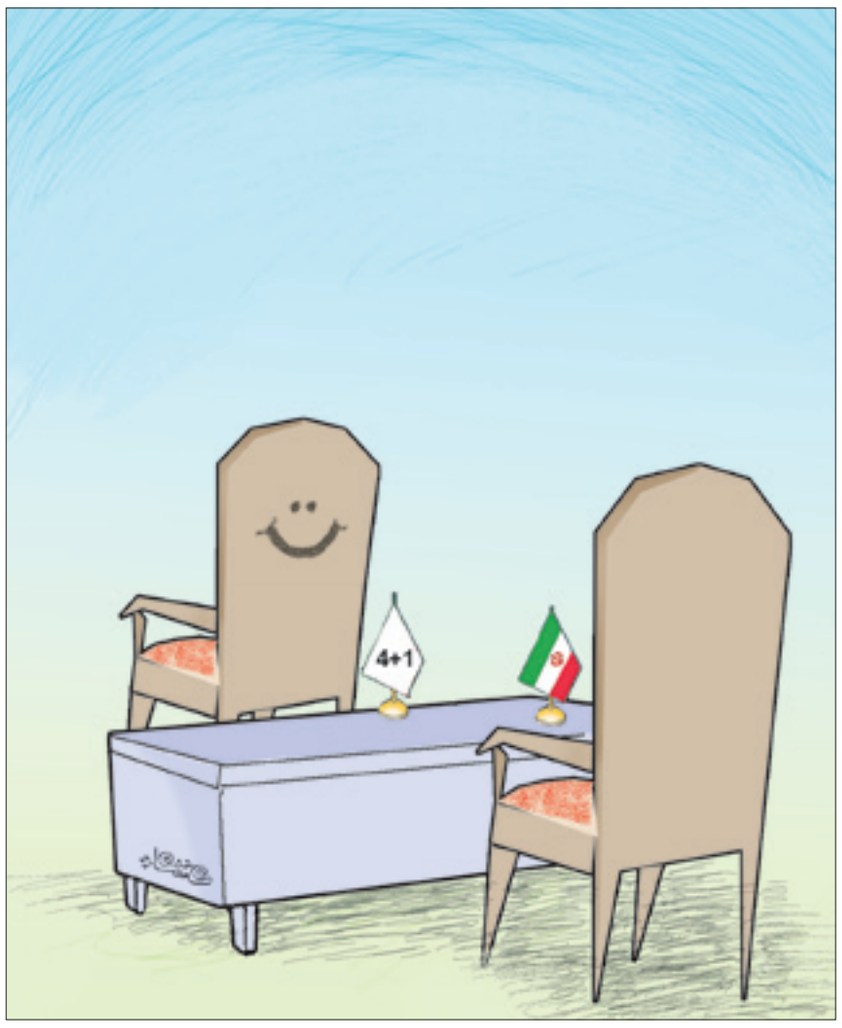

یک «زالاوا» با کمی موقعیت ترسناک!

■ **افشین علیار**

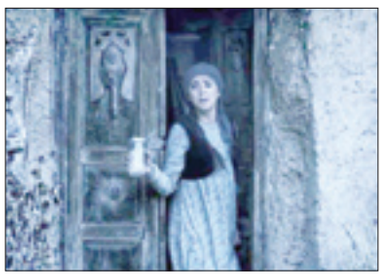

اساساً قصه شنیدن در فرهنگ ما نقش بسزایی دارد و کسی که قصه می‌گوید باید تبحر خاصی در روایت و لحن داشته باشد.

ارسلان امیری در اولین ساخته سینمایی‌اش قصد داشته است با استفاده از ژانر وحشت برای مخاطب فیلمِ داستانگو با جذابیت‌های مضمونی و نمایشی بسازد، البته در بخش‌هایی از فیلم هم توانسته کم و بیش موفق باشد اما موفقیت او در محتوا چندان طولانی نیست چراکه زالاوا نمی‌تواند در مقاطع مهم گیرایی لازم را داشته باشد. ایده زالاوا با مهارت انتخاب شده است. پرداخت به باورهای غلط یا درست یک روستا سبب شده با خرافات آن منطقه آشنا شویم.

در تیتراژ فیلم به واقعیت موضوع و اینکه بخش ترسناک کمی اغراق شده نیز اشاره می‌شود. معتقدم زالاوا از ایجاد موقعیت‌های ترسناک آسیب دیده و تمهیداتی که در دل اثر در ارتباط ژانری گنجانده شده تا حدی مدیون کلیشه‌های مرسوم است. استفاده از رنگ و نور و صدا و سکوت اساساً باعث ایجاد ژانر وحشت نمی‌شود. موسیقی ممتد در هر نما استفاده از نورپردازی تخت یا تاریکی و سایه‌ها نیز گاهی همراه با دیالوگ‌های طنزآمیزِ سرباز به لحن مورد نظر فیلمساز آسیب رسانده است. آن چیزی که خاستگاه مورد توجه فیلمساز بوده نه تنها نتوانسته شکل قوام یافته‌ای بگیرد بلکه ژانر اصلی را خدشه‌دار کرده است.

بهره‌گیری کلیشه‌ای از تاریکی و ایجاد ترس یا توهم در سکانس پاسگاه و موقعیتی که استوار احمدی با آن مواجه می‌شود نه تنها ربطی به ژانر وحشت ندارد بلکه تأثیری هم در ایجاد احساس ترس در مخاطب ندارد، از سوی دیگر مخاطب سینما آنقدر آثار مختلف جهانی در این ژانر دیده است که به طور مثال بسته شدن پنجره بر اثر باد یا تاریکی و تکان خوردن یک کیسه نمی‌تواند تأثیر عجیبی بر او داشته باشد.

اساساً ژانر وحشت نمی‌تواند متکی بر موقعیت‌های لحظه‌ای باشد، به همین دلیل تنها اتکای فیلمساز به نشان دادن افسانه‌های محلی است، یعنی تأکید ذوق‌زدگی فیلمساز وفاداری به ایده مرکزی است، بنابراین پیشروی خاصی منطبق بر ژانر در اثر احساس نمی‌شود و گره‌افکنی‌ای که در اثر پدید می‌آید، یعنی جابه‌جایی شیشه توسط سرباز به هسته مرکزی فیلم تبدیل می‌شود و تا پایان همین سمت و سوی خنثی ادامه پیدا می‌کند و از جایی که استوار احمدی وارد خانه ملیحه می‌شود، ریتم دچار افت شده و ژانر وحشت به درام عاشقانه که در پایان فرجام و اهمیتی ندارد تغییر می‌کند.

دیالوگ‌هایی که بین استوار و ملیحه ردوبدل می‌شود از کیفیت و اهمیت موضوع در چند سکانس قبل کاسته است و فضای جدیدِ به‌وجود آمده آنچنان رنگ و بوی ملودرام می‌گیرد که سکانس بعد یعنی از جایی که «آمردان» بازمی‌گردد و اهالی به خانه ملیحه می‌آیند، ضعف چشمگیری حس می‌شود.

در همان سکانس پایانی هم همه چیز بلاتکلیف می‌ماند، ماندن آمردان در خانه و بیرون آمدن استوار و ملیحه و رقابت در اینکه چه کسی به آنها شلیک کند، اساساً وقت فیلم را تلف کرده است اما باید اضافه کنم که حتی در قسمت پایانی هم قصه هنوز جان تعریف شدن دارد ولی شکل گفتنش ضعیف است.

آنچه از استوار مسعود احمدی می‌بینیم شمایل نزدیک به شخصیت اصلی فیلم سرخپوست است؛ نظامی‌ای که حرفش را صریح می‌زند، درون‌گرایی خاص یا نگاه نافذ دارد یا عشق کمرنگ او به ملیحه ما را یاد آن فیلم می‌اندازد.

ارسلان امیری در اجرا برای فیلم اول توانسته اثری قابل تأمل بسازد، میزانسن و دوربین را می‌شناسد و می‌تواند نماهای شلوغ را کارگردانی کند. به هر شکل شخصیت‌های فیلم به اندازه خودِ قصه و نه بیشتر معرفی می‌شوند، با اینکه می‌تواند بسترسازی بهتری برای آن صورت بگیرد. بازی نوید پورفرج و هدی زین‌العابدین و تمامی بازیگران دیگر می‌تواند نکته مثبت برای فیلم باشد.

دیده‌بان

نمایشگاه نگاره‌های چوبی نیاوران به کار خود پایان داد

اختتامیه دوازدهمین نمایشگاه نگاره‌های چوبی «هیما» در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد.

در مراسم اختتامیه دوازدهمین نمایشگاه نگاره‌های چوبی «هیما» عبادرضا اسلام مدیر فرهنگسرای نیاوران، دکتر شریف‌زاده رئیس پژوهشکده هنرهای سنتی، علی عیان‌بد دبیر کل اتاق مشترک ایران و اتریش و احمد محیط طباطبایی رئیس کمیته ملی موزه‌های ایران (ایکوم) به ایراد سخن پرداختند. در پایان مراسم بیانیه هیئت داوران قرائت شد و برگزیدگان نمایشگاه نگاره‌های چوبی معرفی شدند و جوایز خود را دریافت کردند. در پایان نیز (معرق ظریف نگاره) اثر وجیهه‌سادات جلالی نیز به عنوان اثر برگزیده نمایشگاه انتخاب شد. بر اساس این گزارش دوازدهمین نمایشگاه نگاره‌های چوبی هیما از دوم بهمن ماه با نمایش ۲۰۱ اثر از ۱۲۰ هنرمند در فرهنگسرای نیاوران در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفت.

موسیقی

در نشست آلبوم سرود «تا قله» مطرح شد

رقابت برای تولید سرود نوجوانانه با معیارهای انقلابی

■ **محمد صادقی**

تولید سرود بر اساس چارچوب‌های نظام جمهوری اسلامی برای گروه سنی کودک و نوجوان در دستور کار نهادهای فرهنگی قرار گرفت.

بشیر آزاد، مدیر تولیدات دفتر موسیقی و سرود صداوسیما در نشست رسانه‌ای آلبوم «تا قله» گفت: ژانر سرود در دوره‌های گذشته خیلی مورد کم‌لطفی و بی‌مهری قرار گرفته بود، کما اینکه در این حوزه ما فقط سرودهایی را به خاطر داریم که یا مربوط به سال‌های نخست انقلاب یا فقط در گروه‌های مدارس و مساجد خلاصه شده بود.

آزاد افزود: در دوره جدید، مدیریت دفتر موسیقی سرود سازمان صدا و سیما برنامه‌های ویژه‌ای برای ورود به سرود طراحی کرده که نتیجه آن این بوده که تولید ۳۰درصد از محصولات موسیقایی این مجموعه به سرود اختصاص داشته است. ما در حوزه تولید، انتشار و حمایت ورود ویژه کرده و در این زمینه نیز با مجموعه‌ها و مراکز دیگری وارد گفت‌وگو و تعامل شده‌ایم که این آثار در حوزه موسیقی با کلام و موسیقی بی‌کلام پیش روی مخاطبان قرار می‌گیرد. وی ادامه داد: قطعاً می‌دانیم در مقابله با جریان تهاجم فرهنگی با کار بسیار سختی مواجه هستیم که باید در این زمینه بررسی‌های زیادی صورت پذیرد. ما تلاش می‌کنیم در عرصه موسیقی با در نظر گرفتن چارچوب‌های نظام جمهوری اسلامی ایران واقعاً رقابت سختی را پیگیری کنیم.

محمد رسولی از شاعران آلبوم «تا قله» نیز با اشاره به ظرفیت بالای سرود بیان کرد: با توجه به ظرفیت بالای سرود باید نگاه جدی‌تری به این حوزه داشت. متأسفانه دم‌دستی‌ترین اتفاقات در این زمینه پیش می‌آید که دربرگیرنده ضعف‌های زیادی است. این خوب است که استعدادهای مرتبط با سرود در مساجد و محله‌ها ظهور و بروز پیدا می‌کند اما این خوب نیست که چنین استعدادها و محصولاتی در همین چارچوب باقی بماند، بنابراین مجموعه‌هایی چون دفتر موسیقی سازمان صدا و سیما می‌توانند کمک خیلی خوبی به ارتقای کیفیت سرود داشته باشد. علی مددی، نماینده سازمان تبلیغات اسلامی سرود را بحث مهمی برای مخاطبان و تولیدکنندگان خواند و بیان کرد: این گونه آثار می‌تواند دربرگیرنده نکات مهمی باشد. این همان موضوعی است که در روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب حتی زمان ورود حضرت امام(ره) مورد توجه قرار گرفته بود؛ نکته‌ای که ما تلاش کردیم در این آلبوم مورد توجه قرار دهیم و تلاش کردیم با تولید این آلبوم بتوانیم جریان‌سازی زیادی را در این چارچوب ایجاد کنیم.

گفتنی است آلبوم سرود «تا قله» که به همت دفتر موسیقی و سرود سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و مرکز رسانه‌ای و عملیات‌های ویژه سازمان تبلیغات اسلامی تهیه و تولید شده است در ۱۰قطعه منتشر می‌شود.

کتاب

در قالب کتاب «نعمت جان»

خاطرات روزهای جنگی یک پرستار منتشر شد

کتاب «نعمت جان»، خاطرات صغری بُستاک، پرستار و امدادگر دفاع مقدس، به قلم سمانه نیکدل و توسط انتشارات «راه یار» منتشر و روانه بازار نشر شد.

به گزارش «جوان» صغری بُستاک، سال ۱۳۳۷ در اندیمشک متولد شده و فعالیت‌هایش را پیش از پیروزی انقلاب شروع کرده است. پس از انقلاب هم در نهادهای انقلابی همچون بنیاد مستضعفین، نهضت سوادآموزی، کمیته امداد و نهایتاً بیمارستان شهید کلانتری اندیمشک خدمت کرده است؛ اواخر سال ۱۳۶۶ با دعوتنامه‌ای از طرف تعاون سپاه، در کنار امدادگری، مسئول گروه انصارالمجاهدین شد.

در پشت جلد این کتاب که سومین عنوان ناشر در رده زنان انقلاب و دومین عنوان در رده پشتیبانی جنگ به شمار می‌آید، چنین می‌خوانیم: دست تنها بودم. همه پرستارها سرشان شلوغ بود و کسی نبود کمکم کند. تا آن موقع چنین کاری نکرده بودم. خیلی می‌ترسیدم. زیرلب صلوات می‌فرستادم تا آرام شوم. به امام زمان(عج) توسل کردم. گازاستریل و قیچی و باند و پنس و بتادین و چند تا وسیله دیگر را برداشتم. تلفن زنگ خورد. آقای عسکری از تبلیغات پشت خط بود. پرسید: «توی بخش کمک می‌خواید؟» گفتم: «خدا خیرت بده. زود بلند شو بیا.» رفتم بالای سر مجروح. بهش گفتم: «مجبوریم همین جا ترکش رو دربیاریم. نمی‌تونم بیهوشت کنم. تحمل درد رو داری؟» چشم‌هایش بی‌رمق بود. نگاهی انداخت بهم و گفت: «آره... فقط درش بیارید... سینه‌ام داره می‌سوزه.» بنابرین گزارش، کتاب «نعمت جان» که تحقیق و تدوین آن بر عهده سمانه نیکدل بوده، در ۲۰۸صفحه، شمارگان هزارنسخه و با قیمت ۲۵هزار تومان توسط انتشارات راه‌یار منتشر شده است.

خبر

دبیر بخش طراحی و ساخت زیورآلات دهمین جشنواره مد و لباس فجر:

جشنواره مد و لباس فجر محملی برای معرفی هنرمندان گمنام است

■ **سیدمرتضی ذاکر**

دبیر بخش طراحی و ساخت زیورآلات دهمین جشنواره مد و لباس فجر، این جشنواره را بهترین محل برای معرفی هنرمندان با استعداد اما گمنام عنوان کرد و از برگزاری ورک‌شاپ‌های تخصصی در این زمینه خبر داد.

امیرفرزام کریم‌خانی، دبیر بخش طراحی و ساخت زیورآلات دهمین جشنواره مد و لباس فجر ضمن اعلام رضایت از کمیت و کیفیت آثار ارسالی به این دوره از جشنواره گفت: استقبال خوبی هم در بخش قطعه ساخته شده و هم در بخش طرح ارائه شده صورت گرفته است. با توجه به برگزاری نمایشگاهی که قبل از جشنواره فجر برپا شد و گروه‌هایی که با آنها به صورت حرفه‌ای کار کرده‌ایم، نگاه‌ها به موضوع نمایشگاه که امسال شهر کاشان است به خوبی در آثار ارائه شده نمود دارد. این مدرس رشته طلا و جواهرسازی در جهاد دانشگاهی ضمن تأکید بر اهمیت الهام گرفتن نه اقتباس صرف از کانسپت‌های موضوعی جشنواره افزود: بیشتر هنرمندان ما اکنون توانسته‌اند طرح‌های مفهومی در این زمینه ارائه کنند. امسال به دلیل کرونا جشنواره در بستر فضای مجازی نیز به نمایش درخواهد آمد و این فرصت را به همه در سراسر کشور می‌دهد که از کارهای ارائه شده بازدید کنند. مطمئن هستیم امسال نسبت به سال‌های گذشته بازدید از آثار بسیار بیشتر خواهد بود.

وی ادامه داد: تاریخ زیورآلات‌سازی در کشور ما به چندین هزار سال قبل می‌رسد. ایران در گذشته در حوزه زیورآلات‌سازی سرآمد بود و با توجه به ارتباطاتی که با سرتاسر جهان داشت، این هنر را به جهان عرضه کرد اما متأسفانه در ادامه نتوانست توسعه خود را ادامه دهد. متأسفانه این هنر طی قرن‌های اخیر در دست عده‌ای محدود باقی مانده و گسترش زیادی پیدا نکرده است اما طی سال‌های اخیر با فعالیت آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌های این حوزه مبانی این رشته قوی‌تر شده است، البته هدف ما ورود حرفه‌ای‌تر و تخصصی‌تر شدن این هنر صنعت در کشور و حمایت گسترده‌تر از این رشته است.

کریم‌خانی اظهار داشت: امیدوارم امکان برپایی نمایشگاه‌های خارج از کشور برای طرح‌های هنرمندان ایرانی فراهم شود. جشنواره فجر فرصت خوبی برای هنرمندان با استعداد اما گمنام است که توانایی خود را ارائه دهند. قسمت بزرگی از مد را زیورآلات تشکیل می‌دهد و مطمئناً در بحث معرفی هنرمندان و شناسایی هنرمندان بهترین محل جشنواره فجر است. با توجه به شناختی که از بازار و هنر هنرمندان ایرانی دارم، اگر گام‌های حرفه‌ای شدن در حوزه طراحی و ساخت جواهرآلات را طی کنیم، یکی از بزرگ‌ترین تجارت‌های جهانی را با سودآوری بالا در کشور خواهیم داشت.